

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی – سعید افغانی » و داکتر صلاح الدین « سعیدی – سعید افغانی »
۲۸ نومبر ۲۰۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا تارک نماز واقعاً کافر است؟

۴

برخورد با خانواده بی نماز خویش!

اگر اعضای یک فامیل هیچ وقت نماز نمی خوانند حکم اسلام همین است که اعضای این خانواده کافر و مرتد هستند ، بناءً برای این شخص جایز نیست که در برابر آنان سکوت اختیار نماید ، بالعکس همه سعی و تلاش خویش را به خرج دهد تا آنان را برای خواندن نماز دعوت نمایند . شاید پروردگار با عظمت هدایتشان کند . بر اساس حکم کتاب الله ، واحادیث نبوی (سنت) ، و اقوال صحابه و رأی صحیح ، آنان کافر است . دلیل اول از کتاب الله:

قرآن عظیم الشان در مورد مشرکین میفرماید : « فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ » «اگر آنان (از کفر) توبه کردند (و احکام اسلام را مراعات کردند) و نماز را خواندند و زکات دادند (کاری با آنان نداشته باشید چون) در این صورت برادران دینی شما هستند . ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می کنیم» . (سوره توبه: آیت ۱۱)

مفهوم آیت متبرکه اینست که :اگر آنان نماز نخواندند و زکات ندادند، پس برادران دینی شما نیستند و مسلم است که اخوت دینی با معاصی و گناه منتفی نمی شود؛ بلکه این امر تنها با خروج از دین اسلام منتفی می گردد . دلیل دوم از سنت رسول الله :

در حدیث متبرکه «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ» . «بی گمان فرق بین مرد و بین شرک و کفر ترک نماز است» .

همچنین حدیثی به روایت بریده رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در سنن چنین آمده است: «أَلْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ» . (وجه تمایز ما و آنان در نماز است، پس هر کس که نماز را ترک کند کافر می گردد) .

همچنان در حدیث دیگری آمده است هر شخصی که به طور قصدی نماز را ترک کند از حفظ و مراقبت الهی محروم خواهد شد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد فرموده است : « به الله شرک مورز حتی اگر شکنجه شوی و سوزانده شوی، از پدر و مادرت اطاعت کن حتی اگر تو را از اموالت و از هر آنچه از آن

توست محروم سازند و نماز را عمداً ترک مکن که هرکس نماز را عمداً ترک گوید از حفظ و مراقبت الله محروم خواهد شد» (طبرانی این حدیث را روایت فرموده و شیخ آلبنی آن را حسن لغیره دانسته است) دلیل سوم از اقوال صحابه:

امیر المؤمنین حضرت عمر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: «لَا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ». «موطأ مالک» ۳۹/۱ (۸۲) «تارک نماز در اسلام هیچ بهره و نصیبی ندارد».

کلمه (حظ) به معنی نصیب است که در این جا به صورت نکره در سیاق نفی آمده و در حکم عام می باشد: یعنی هیچ بهره‌ای در اسلام ندارد، نه کم و نه زیاد.

عبدالله بن شقیق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گفته است: «كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئاً مِنَ الْأَعْمَالِ تَرَكَهُ كُفْرًا غَيْرَ الصَّلَاةِ». (ترمذی (۲۷۵۷)).

(اصحاب رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هیچ گناهی جز ترک نماز را کفر نمی‌دانستند)

اما از جهت رأی و نظر صحیح: گفته می‌شود: آیا عاقلانه است مردی که در قلبش ذره‌ای ایمان وجود داشته باشد و عظمت نماز را شناخته و از یادآوری‌ها و توجه به خصوص الله تعالی نسبت به آنان آگاه باشد باز هم به ترک آن اصرار می‌ورزد؟ هرگز نه!

شیخ عثیمین می‌نویسد: دلایل آن‌عه از علمانی را که به تکفیر تارک نماز قایل نیستند بررسی کردم، دلایل آنها از پنج حالت خالی نیست:

- ۱- دلایلی که نمی‌توان از آن برای عدم تکفیر تارک الصلاة استدلال نمود.
- ۲- دلایلی که مقید به حالت و وضعیتی هستند که ترک نماز در آن حالت و وضعیت ممتنع است.
- ۳- یا مقید به حالتی هستند که تارک نماز در آن معذور قرار می‌گیرد.
- ۴- یا این که آن دلایل عام هستند و به وسیله احادیث کفر تارک الصلاة خاص شده‌اند.
- ۵- یا به علت ضعف نمی‌توان از آنها استدلال نمود.

پس از آن که ثابت شد که تارک نماز کافر است، باید بدانیم که بر او احکام مرتدین مترتب می‌شود. در هیچ نصی از نصوص به اثبات نرسیده است که تارک نماز مؤمن است، یا به جنت می‌رود و یا از آتش جهنم رهائی می‌یابد و... از این رهگذر است که ضرور نمی‌بینیم که کفر تارک نماز را به کفر نعمت یا به کفر اصغر تأویل کنیم. به دلایل دیگری از این قبیل اشاره می‌کنیم:

۱- جایز نیست که مسلمانی دختر نماز خوان را در نکاح شخص بی‌نماز در آورد و اگر برایش عقد نکاح بسته شود، این نکاح باطل و زن برای این مرد حلال نمی‌شود، چون الله تعالی در مورد زنان مهاجرگفته است: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ» (سوره ممتحنه: ۱۰). «و اگر این زنان (مهاجر) را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید، این زنان برای آن مردان و آن مردان برای این زنان حلال نیستند».

۲- شخصی که بعد از عقد نکاح به کلی تارک نماز می‌شود، نکاحش فسخ شده است و به دلیل آیتی که سابقاً ذکر کردیم، این زن برایش حلال نمی‌شود، برحسب تفصیلاتی که اهل علم در این مورد بیان نموده‌اند؛ که قبل از دخول و آمیزش تارک نماز باشد یا بعد از آن.

۳- ذبیحه شخص بی‌نماز غیرقابل خوردن است. چرا؟ چون که ذبیحه‌اش حرام است، و حال آن که ذبیحه یهودی و نصرانی برای ما حلال است، پس ذبیحه شخص بی‌نماز پلیدتر از ذبیحه یهودی و نصرانی است.

۴- بی‌نماز اجازه ندارد به مکه و حدود حرم داخل شود، چون که الله تعالی فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان مشرکان (به سبب عقیده و کفرشان) پلیدند، لذا، نباید پس از امسال (نهم هجری) به مسجدالحرام وارد شوند. اگر (به علت قطع روابط تجاری آنان با شما) از فقر می‌ترسید، (نترسید) الله تعالی شما را به فضل و رحمت خود بی‌نیاز می‌گرداند، زیرا الله آگاه و دارای حکمت است». (سوره توبه: آیت: ۲۸).

۵- در صورت فوت یکی از اقارب (خویشاوندان)، بی‌نماز از او ارث نمی‌برد؛ بدین ترتیب اگر فرد مسلمان و اهل نماز فوت کند و پسر بی‌نماز و پسر کاکایش (عصبه) اهل نماز بر جای بگذارد چه کسی از او ارث می‌برد؟ پسر بی‌نماز یا پسر کاکای نمازگزار؟ جواب همه این پرسش‌ها همین است که: پسر بی‌نماز از او ارث نمی‌برد؛ بلکه ارث به پسر کاکایش می‌رسد.

أسامه بن زید رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است: «لَا يَرِثُ الْمُسْلِمُ الْكَافِرَ وَ لَا الْكَافِرُ وَالْمُسْلِمَ» بخاری (۶۷۶۴) و مسلم (۱۶۱۴). «مسلمان از کافر و کافر از مسلمان ارث نمی‌برد». همچنین می‌فرماید: «الْحُقُوقُ الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا، فَمَا بَقِيَ فَهُوَ لِأَوْلَى رَجُلٍ ذَكَرٍ» بخاری (۶۷۳۲) و مسلم (۱۶۱۵). «سهمیه‌های معین شده ارث را به صاحبان آنها بدهید و باقیمانده آن را به نزدیکترین خویشاوند مرد میت بدهید».

۶- بی‌نماز وقتی که بمیرد نباید غسل و تکفین شود و نباید بر او نماز جنازه خواند و همچنین مسلمانان اجازه ندارند او را در گورستان مسلمانان دفن کنند؛ پس چه کارش کنیم؟ جسدش را به بیابان برده و در آنجا گودالی حفر نموده و با همان لباس در آنجا دفنش می‌کنیم، زیرا او در اسلام از هیچ حرمت و کرامتی برخوردار نیست. بنابراین برای هیچ کسی جایز نیست که فردی بی‌نماز نزدش، بمیرد و او را به مسلمانان عرضه کند تا بر او نماز جنازه بخوانند.

۷- بی‌نماز در روز رستاخیز با فرعون، هامان، قارون، ابی ابن خلف و سایر پیشوایان کفر محسور می‌شود و به بهشت نمی‌رود و برای هیچ یکی از اعضای خانواده‌اش جایز نیست که برایش دعای رحمت و مغفرت بخوانند، زیرا او کافر است و مستحق دعا و استغفار نمی‌باشد- پناه بر خدا-

الله تعالی می‌فرماید: « مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ » (سوره توبه آیه ۱۳۳).

«برای پیامبر و مؤمنان مناسب نیست که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هر چند که خویشاوند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته‌اند و) مشرکان اهل دوزخ‌اند». (تفصیل موضوع: را می‌توان در رساله صفة- صلاة النبی صفحه (۲۹-۳۰) و مجموعه فتاوا و رسایل (۱۲-۵۰) شیخ ابن عثیمین مطالعه فرماید).

سهل انگاری در امر نماز:

موضوع سهل انگاری در امر نماز و به خصوص در نماز جماعت در دین مقدس اسلام از منکرات بزرگ و از صفات منافقین است؛ الله تعالی فرموده است: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَىٰ يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (سوره نساء آیت ۱۴۲) (بی‌گمان منافقان (به خیال خام خود) الله را گول می‌زنند! در حالی که الله آنها را گول می‌زند. منافقان هنگامی که برای نماز برمی‌خیزند، سست و بی‌حال

به نماز می ایستند و با مردم ریاء می کنند (نمازشان به خاطر مردم است) و الله را کم یاد می کنند). همچنان پروردگار با عظمت ما در مورد صفت منافقان می فرماید: « وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ » (سوره توبه آیت ۵۴) (و هیچ چیز مانع قبول شدن نفقات و صدقات آنها نشده است جز این که آنان به الله و پیامبرش ایمان ندارند و جز با ناراحتی و بی حالی به نماز نمی ایستند و جز از روی ناچاری بخشش نمی کنند).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در مورد منافقان گفته است: «لَيْسَ صَلَاةٌ أَثَقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهَا لَأَتَوْهَا وَلَوْ حَبْوًا». (هیچ نمازی بر انسان های منافق سخت تر و سنگین تر از نمازهای صبح و عشا نیست. ولی اگر می دانستند که فضیلت و ثواب این نماز چقدر است با سینه خیز هم که می بود خود را (به مسجد) می رساندند).

پس بر هر مسلمانی واجب است که بر نمازهای پنج گانه در اوقات معین، مواظبت نموده و با طمأنینه و آرامش با خشوع و حضور قلب نمازها را اداء کند؛ زیرا الله تعالی می فرماید:

« قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲) » (مؤمنون: ۱-۲) (به راستی مؤمنان رستگار شوند (۱) همان کسانی که در نمازشان فروتنند (۲) و به این دلیل که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شخصی را که نماز خواندن بلد نبود و اعتدال و اطمینان را رعایت نمی کرد؛ امر نمود تا نمازش را دوباره بخواند.

مردان موظفند نمازهایشان را همراه با مسلمانان با جماعت و در مساجد اداء نمایند، چون رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ فَلَمْ يَأْتَهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ إِلَّا مِنْ عُذْرٍ» (هر کس آذان را بشنود و برای نماز (به مسجد) نرود، نماز او قبول نیست؛ مگر آن که عذری داشته باشد).

از ابن عباس رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا سؤال شد: عذری که جماعت را ساقط می کند، چیست؟ حضرت ابن عباس در جواب فرمود: ترس یا مریضی .

در صحیح مسلم از ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت شده است که مردی نابینا نزد رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: ای پیامبر! نابینا هستم و راهنمایی ندارم، آیا اجازه دارم در خانه نماز بخوانم، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اول به او اجازه داد و سپس صدایش کرد و فرمود: « هَلْ تَسْمَعُ النَّدَاءَ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَأَجِبْ » (آیا آذان نماز را می شنوی) گفت: بلی ! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «پس به نماز بیا». در صحیحین از ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نقل شده که ایشان از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: «لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَ بِالصَّلَاةِ فَتُقَامَ، ثُمَّ أَمُرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ فَأُحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتُهُمْ بِالنَّارِ». (خواستم دستور دهم برای نماز اقامه گفته شود، آنگاه دستور دهم کسی به جای من امامت نماز را برای مردم به عهده بگیرد و خودم با مردانی که بسته های هیزم همراهشان است به سوی کسانی بروم که در نماز جماعت شرکت نمی کنند و آنها را با خانه هایشان به آتش بکشم).

همه این احادیث بیانگر یک امر است که نماز جماعت برای مردان از مهمترین واجبات است و کسانی که از آن باز می مانند مستحق شدیدترین عقوبت ها می باشند.

از الله تعالی مسئلت داریم که احوال و اوضاع تمام مسلمین را اصلاح کرده و آنها را به کارهایی توفیق دهد که رضا و خشنودی او در آنهاست.

طبق صحیح ترین قول از اقوال علماء ، که تفصیل آن در فوق گذشت همین است: ترک عمدی نماز کفر اکبر است: گر چه شخص تنها در پاره ای اوقات آن را ترک دهد و یا منکر وجوب آن هم نشود (باز هم کفر اکبر است)، ترک

کننده چه مرد باشد و چه زن، به دلیل سخن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ بَيْنَ الرَّجُلِ وَبَيْنَ الشَّرْكِ وَالْكَفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ». «حد فاصل بین مرد و شرک و کفر ترک نماز است». «العهد الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ». (وجه تمایز ما و آنها (کفر و مشرکین) نماز است، پس هر کس که آن را ترک کند کافر می‌شود).

خواننده محترم!

آنچه که بر همه مسلمانان واجب است این است که همدیگر را نصیحت نموده و به حق سفارش نموده و به کارهای نیک و تقوا یاری کنند. از جمله این امور نصیحت کردن به افرادی است که در نماز جماعت شرکت نمی‌کنند و یا احیاناً نماز را به کلی ترک می‌دهند. اینها را باید از خشم و گرفت الهی ترسانید. بر پدران و مادران این افراد واجب است که اینها را به طور مداوم نصیحت کنند، باشد که الله تعالی آنها را به صراط مستقیم هدایت کند.

همچنین زنانی را که تارک نماز هستند یا در آن سهل انگاری می‌کنند باید نصیحت کرد و از خشم و غضب الله تعالی ترسانید و با روشی مناسب تأدیب نمود، زیرا الله تعالی فرموده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (سوره توبه آیت ۷۱) «مردان و زنان مؤمن برخی دوستان برخی دیگرند. همدیگر را به کارهای نیک دعوت داده و از کارهای بد باز می‌دارند و نماز را برپا داشته و زکات را می‌پردازند و از الله و رسولش فرمان می‌برند. الله تعالی به زودی اینها را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد. بی‌گمان که الله توانا و حکیم است».

به دلیل این که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفته است: «مَرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ، وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ، وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ». (در سن هفت سالگی فرزندان را به نماز خواندن دستور دهید و به سن ده سالگی که رسیدند (و نماز نخواندند) آنها را بزنید و خوابگاهشان را جدا کنید).

وقتی قضیه، چنین است که پسران و دختران در سن هفت سالگی به نماز مأمور می‌شوند و در سن ده سالگی به خاطر ترک آن تنبیه بدنی می‌شوند و البته نباید از نصیحت مداوم و تمسک به حق و صبر بر آن گذشت.

پروردگار با عظمت ما می‌فرماید: «وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (۳) (سوره العصر آیات ۱-۳).

(سوگند به زمان. انسانها همه در زیان اند. مگر کسانی که ایمان می‌آورند و همدیگر را به تمسک به حق سفارش می‌کنند و یکدیگر را به شکیبایی توصیه می‌نمایند.)

هر کسی که بعد از بلوغ، نماز را ترک کند و نصیحت کردن کارساز نشود، باید این موضوع را به محاکم شرعی ارجاع داد تا وی را به توبه وادار کنند و اگر توبه نکرد باید کشته شود. از الله تعالی می‌خواهیم که احوال مسلمین را اصلاح نموده و به آنان فقه و علم دین نصیب بفرماید و به همیاری بر نیکی و تقوا و امر به معروف و نهی از منکر توفیقشان دهد، بی‌گمان که او بخشنده و کریم است.

(غرض معلومات مزید مراجعه شود: فتاوی‌ای مهمه تتعلق بالصلاة (21-27) شیخ ابن باز).

ادامه دارد